

مقاله ی اکبر گنجی در مجله نیوزویک:

معیارهای دوگانه رژیم خودکامه ایران

مهربانی، برادری، و عدالت فرا می خواند بی رحمانه حقوق اساسی شهروندان خود را نقض می کند. کارنامه این رژیم در حوزه حقوق بشر کاملاً سیاه است. برای مثال، در تابستان سال ۱۳۶۷، چند هزار زندانی سیاسی بدون هیچ گونه ملاحظه قانونی (حتی برخلاف قوانین جمهوری اسلامی) قتل عام شدند. مأموران وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی، دهها تن از دگرازدیشان و دگرباشان ایرانی را در داخل و خارج از کشور طی پروژه ای که بعدها به «پروژه قتل‌های زنجیره ای» معروف شد، ترور کردند، و هنگامی که این راز در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، رئیس جمهوری پیشین ایران، افشا شد، رهبر جمهوری اسلامی مسئولیت آن جنایات را بر دوش چند تن از کارکنان «خودسر» وزارت اطلاعات نهاد. آمران آن قتل‌ها امروز بالاترین مقامات را در دولت آقای احمدی نژاد اشغال کرده اند. فقط در دوران ریاست جمهوری فعلی دهها روزنامه توقیف شده است، تمامی سایتهای سیاسی از دسترس کاربران ایرانی خارج شده است، و اقلیتهای قومی، مذهبی، و جنسی به سختی سرکوب و از حقوق اساسی خود محروم شده اند. کتابها با اجازه نشر نمی یابند، یا به شدت سانسور می شود. روحانیان دگرازدیش مانند عبدالله نوری، محسن کدیور، هادی قابل، یوسفی اشکوری، اسدالله بیات، و نیز مراجع تقلید دینی مانند آیت الله منتظری را در زندان یا منزل زندانی می کنند. در اواسط آبان ماه سال جاری یک فصلنامه تخصصی به نام «مدرسه» را صرفاً به دلیل انتشار نظرات دینی محمد مجتهد شبستری، یک روحانی برجسته دگرازدیش، توقیف کردند. در طول چند سال گذشته بیش از یکصد نشریه مستقل به دستور دولت تعطیل شده است. زهرا کاظمی، زنی خبرنگار را بدون هیچ دلیل موجه قانونی بازداشت و زیر شکنجه به قتل می رسانند. دولت با حمایت علنی و بی دریغ رهبر جمهوری اسلامی، طرحی را تحت عنوان «پروژه امنیت اجتماعی» به راه می اندازد، و نیروهای پلیس به بهانه مبارزه با آنچه بنیادگرایان مظاهر فساد می دانند، زنان و فرزندان بیگناه مردم را در خیابانهای شهر مورد ضرب و شتم قرار می دهند و شمار زیادی از مردم عادی کوچک و خیابان را به بهانه های واهی بازداشت می کنند. این «پروژه» در چنین مورد پیامدهای فاجعه آمیزی به بار آورد. برای مثال، زنی پزشک (زهرا بنی یعقوب) را در خیابان به جرم آنکه با نامزد خود قدم می زده است بازداشت می کنند، و پس از چند روز (در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۷) جنازه وی را به خانواده اش تحویل می دهند. بنیادگرایان حاکم بر ایران مدام از کرامت زنان سخن می گویند، اما زنان برابری خواه ایرانی را با خشونت سرکوب و راهی زندان می کنند. کارگرانی مانند منصور اسانلو را صرفاً به جرم آنکه برای دفاع از منافع صنفی خود خواهان تشکیل سندیکای مستقل کارگری شده اند زندانی و به حبسهای سنگین محکوم می کنند. دانشجویان منتقد دولت و مدافع حقوق بشر را در زندان برای



آنکه به جرمهای ناکرده اعتراف کنند، مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار می دهند. این سیاستهای ظالمانه با شعارهایی که حکومت ایران در ستایش ارزشهای دینی، اخلاقی، و معنوی سر می دهد هیچ تناسبی ندارد. رژیم حاکم بر ایران در سه دهه گذشته مردم ایران را به شدت تحقیر و سرکوب کرده است، و در سطح جهانی تصویری از ایرانیان ارائه داده است که مطلقاً در خور مردم با فرهنگ و صلح دوست ایرانی نیست. رفتارهای دولت ایران موجب شده است که افکار عمومی جهانیان ایرانیان شریف و فرهیخته را به چشم تروریست بنگرند. حکومت ایران درآمدهای سرشار نفتی را به جای آنکه برای رفع فقر و شکاف طبقاتی فزاینده در جامعه ایرانی صرف کند، آن را مصروف عظمت طلبی های اتمی رهبر جمهوری اسلامی، خرید و تولید تسلیحات نظامی، و کمک به گروههای مسلح عراق و افغانستان و لبنان و فلسطین می کند. در این بین خصوصاً پروژه عظمت طلبی اتمی رهبر جمهوری اسلامی بیش از همیشه مردم ایران را با خطر اجماع جهانی علیه ایران و تحریم اقتصادی روبرو ساخته است. عظمت طلبی اتمی رهبر جمهوری اسلامی از سوی گروههای اصلاح طلب ایرانی طی نامه های علنی و غیرعلنی به رهبر جمهوری اسلامی مورد نقد و اعتراض قرار گرفته است. حتی بسیاری از سیاستمداران درون جمهوری اسلامی، نظیر هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی، و بسیاری دیگر از چهره های سیاسی سرشناس، در دیدارهای خصوصی با رهبر جمهوری اسلامی با سیاستهای هسته ای که توسط دولت آقای احمدی نژاد دنبال می شود، مخالفت کرده اند، و معتقدند که برای جلب اعتماد جامعه بین المللی و جلوگیری از تصویب قطعنامه های جدید شورای امنیت باید فرآیند غنی سازی اورانیوم به حالت تعلیق درآید، و دولت از اقدامات ماجراجویانه و تحریک آمیز پرهیز نماید.

دموکراسی در سطح ملی پیش شرط و ضامن صلح در سطح بین المللی است. در جهان امروز آرمانهایی مانند دموکراسی، آزادی، و حقوق بشر از جمله ارزشهای مشترک بشری است. این آرمانها نه فقط از پشتوانه عقل مصلحت اندیش بشر معاصر برخوردار است، بلکه وجدان اخلاقی بشر معاصر نیز بر اعتبار

آنها گواهی می دهد. دعوت جهانیان به ارزشهای مشترک دینی، اخلاقی، و معنوی در واقع دعوت همگان به پاسداشت دموکراسی، آزادی، و حقوق بشر است.

بدون تردید مردم ایران در تلاش خود برای کسب آزادی و برقراری دموکراسی به حمایت اخلاقی - معنوی جامعه بین المللی از جمله مردم آمریکا نیاز دارند. شایسته است که مردم شریف آمریکا از دولت خود بخواهند که سناریوی حمله نظامی به ایران، و نیز پروژه «تغییر رژیم» را از دستور کار خود خارج نماید، و در عوض باب مذاکره و ارتباط انتقادی و سازنده را با دولت ایران بگشاید، بدون آنکه مذاکره و توافقات احتمالی بر سر مسائل هسته ای به نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در ایران بینجامد. ما با هر گونه تحریمی که به مردم ایران صدمه وارد آورد مخالف هستیم، نباید به جای بنیادگرایان حاکم بر ایران، مردم ایران را مجازات کرد. جامعه ی جهانی می تواند برای کلیه ی کسانی که مخالفان سیاسی - عقیدتی را زندانی، شکنجه، اعدام و ترور کرده اند، کیفرخواست تهیه کند و به محض خروج از ایران، آنها را بازداشت و به اتهام شرکت در سرکوب سازمان یافته، محاکمه و محکوم نماید. این اقدام یکی از مصادیق حمایت معنوی - اخلاقی است که به تقویت جامعه ی مدنی کمک می کند. مشارکت سیاسی، از طریق برگزاری انتخابات آزاد رقابتی، یکی از حقوق اساسی مردم می باشد. اما رژیم ایران برای محروم کردن مردم از حق مشارکت سیاسی، شبه انتخابات تقلبی نامؤثر (انتخاب شده ها فاقد قدرت و اختیار برای ایجاد تحول و اصلاح در نظام سیاسی اند و ساختار حقوقی به گونه ای طراحی شده که قدرت هیچگاه به مخالفان انتقال نیابد) برگزار می کند.

در آستانه ی برگزاری شبه انتخابات تقلبی بعدی در ۲۴ اسفند، برخی از گروه های سیاسی مخالف و فعالین حقوق بشر، خواهان نظارت بین المللی بر انتخابات ایران شده اند. تا حد اقل بتوان انتخاباتی منصفانه (خارج از کنترل شورای نگهبان)، اگرچه غیرمؤثر، برگزار کرد. در این شرایط، برگزاری هرگونه انتخابات با وجود شورای نگهبان، بدون نظارت بین المللی و بدون انتقال قدرت، نامشروع تلقی می شود. مردم ایران برای تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی به «انتخابات آزاد» برای «انتقال قدرت» نیاز دارند. امروزه در کشورهای مختلف، وقتی زمامداران در انتخابات مرتکب تقلب می شوند، مخالفان به همراه مردم به خیابانها می ریزند و حکومت را وادار به عقب نشینی می کنند، اما در ایران وقتی در انتخابات تقلب صورت می گیرد، فرد قدرتمندی چون هاشمی رفسنجانی از سر ناچاری می گوید من پیگیری این امر را به خدا واگذار می کنم و فرد قدرتمند دیگری چون مهدی کروبی (رئیس مجلس ششم) از عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام استعفا می دهد. جنبش دموکراسی خواهی و آزادی طلبی ایران ریشه در آرمانهای اخلاقی، فرهنگی، و معنوی ایرانیان دارد. گذر ایران به دموکراسی و مبارزه با حکومت سرکوبگر و ظالم بنیادگرایان حاکم بر ایران وظیفه ایرانیان شجاع و آزادیخواه است، نه دولت آمریکا. منبع: نیوزویک بین المللی، ۱۸ فوریه ۲۰۰۸

برگزاری هرگونه انتخابات با وجود شورای نگهبان، بدون نظارت بین المللی و بدون انتقال قدرت، نامشروع تلقی می شود. مردم ایران برای تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی به «انتخابات آزاد» برای «انتقال قدرت» نیاز دارند...

www.akhbar-rooz.com

در شرایط کنونی انتقاد از سیاست خارجی دولت آمریکا بویژه در منطقه خاورمیانه، که تنها دستاورد سیاست های ویرانگر نظامی گریانه اش، رشد و گسترش بنیادگرایی و تقویت رژیم استبدادی بوده، کار دشواری نیست. زمامداران بنیادگرای حاکم بر ایران انتقاد از آمریکا را راهی برای سرپوش نهادن بر بی کفایتی های دولت در حل مسائل معیشتی مردم و توسعه ایران می بینند. آنها می کوشند تا آمریکا را علت اصلی تمام مشکلات جامعه ایران قلمداد کنند تا از این طریق مسئولیت خود را در ویرانی کشور و سرکوب جامعه مدنی پنهان نمایند. حکومت بنیادگرای ایران برای تداوم سرکوب در ایران به وجود «دشمن» نیاز دارد، و می کوشد با تأکید بر اینکه دولت آمریکا برای سرنگونی رژیم و نابودی انقلاب اسلامی، و نیز اسلام و ایران در کار توطئه است، کشور را مستمراً در شرایط بحرانی و آماده باش جنگی نگه دارد. در فضای بحرانی ناشی از تهدید «دشمن» می توان به آسانی تمام مشکلات ناشی از یک دولت بی کفایت، ظالم و خودکامه را بر دوش «دشمن»، یعنی آمریکا، نهاد. در چنین فضایی است که دولت ایران می تواند مدعی شود که تمام مخالفانش اعم از فعالان سیاسی، مدافعان حقوق بشر، نهادهای مدنی، روشنفکران، و غیره عوامل «دشمن» هستند، و وضعیت فلاکت بار اقتصادی ایران نه ناشی از سوء تدبیر مدیران دولتی که نتیجه سیاستهای تحریمی دولت آمریکا و حامیان غربی آن است. و در این فضای بحرانی و جنگی است که کنترل دولت به بهانه مقابله با توطئه های آمریکا در اختیار نیروهای نظامی و امنیتی قرار می گیرد.

حکومت ایران از معیارهای دوگانه پیروی می کند: در سطح جهانی بریکجانبه گرایی، تمامیت خواهی، قادر مآبی، و رهبری بلامنافع دولت آمریکا می تازد، حق و توتی شورای امنیت سازمان ملل را نامشروع می داند و قدرتهای جهانی را به رعایت عدالت و پایبندی به ارزشهای دینی و اخلاقی و معنوی فرا می خواند، اما در داخل کشور با شهروندان خود به نحوی سرکوبگرانه، قادر مآبانه، یکجانبه گرایی، و ظالمانه رفتار می کند. برای مثال، شورای نگهبان جمهوری اسلامی برای خود توتی مطلق قائل است، و با استفاده از این حق ناعادلانه تمام کاندیداهای مخالف بنیادگرایان را از صحنه رقابتهای سیاسی حذف می کند، و مانع تصویب قوانینی می شود که در جهت تثبیت حقوق شهروندان در برابر دولت است، و با تمام قوا می کوشد هرگونه روزنه ای را که به سوی مردم سالاری گشوده می شود، مسدود نماید. دولتی که در صحنه بین المللی قدرتهای جهانی را به



خانه خود را فقط با ۳ درصد کمیسیون به فروش برسانید!



Residential & Commercial Specialist,
serving the entire Bay Area

ملیح آذر Mali Azar
مشاور وام و املاک

Up to 50% Credit to buyer from our commission for non-recurring closing cost. (When we do both loan & real estate transaction)

(408) 506-6164 & (408) 722-7060

E-mail: maliazar@yahoo.com

6489 Camden Ave. Suite 104, San Jose, CA 95120